

1392/10/09

| یادداشت |

فتنه ۸۸ و همه گزینه‌های روی میز

چندی است که جمله‌ی «همه‌ی گزینه‌ها روی میز است»، جزء جداناپذیری از ادبیات سیاست خارجی ایالات متحده‌ی آمریکا شده است. جمله‌ای که بکارگیری همزمان مذاکره و تهدید را در اذهان ایرانیان متبادر می‌کند. اما آیا همه‌ی گزینه‌ها یعنی مذاکره، تهدید و تحریم؟ این جمله به چه معناست و چرا روی میز اوپاما قرار گرفت؟ برای پاسخ به این سؤال باید به ۲ تیر ۸۸ برگردیم؛ به مرکز سابان، وابسته به اندیشکده‌ی بروکینگز^۱. قرار است مرکز سابان پیشنهاد خود مبنی بر راهبرد جدید آمریکا در مواجهه‌ی با جمهوری اسلامی ایران را روی میز رئیس‌جمهور بگذارد؛ «کدام راه به سمت ایران؟» این در حالی است که حدود شش ماه از ادای سوگند باراک اوپاما به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا گذشته و همه منتظر دستاورد شعار «تغییر» در سیاست خارجی ایالات متحده هستند.



مارتین ایندیک (سفیر پیشین آمریکا در اسرائیل و صاحب نظریه‌ی «مهار دوگانه» در برخورد با ایران و عراق)، میخائیل اوهانلون (عضو ارشد مرکز امنیت و اطلاعات قرن ۲۱) بروس ریدل، (مشاور ارشد ۳ رئیس‌جمهور آمریکا در مسائل خاورمیانه و جنوب آسیا)، کنت پولاک (کارشناس در امور سیاسی و نظامی خاورمیانه و مؤلف کتاب «غیر قابل تصور: ایران، بمب و استراتژی آمریکا»)، سوزان ملونی (مشاور پیشین سیاستی وزارت امور خارجه‌ی آمریکا) و دانیل بای‌من (عضو ارشد سیاست خارجی مرکز سابان برای سیاست خاورمیانه) شش استراتژیست مرکز سابان هستند که این مأموریت برعهده‌ی آنها گذاشته شد.

❖ عصر اوپاما؛ عصر تغییر؟!

آنها معتقد بودند که در عصر بوش اگرچه در ابتدا آمریکا سیاستی علیه ایران نداشت اما سپس از طریق فشار و تهدید و تحریم، سعی کرد ایران را وادار به کنارگذاشتن برنامه هسته‌ای نموده و بدین‌روی ایجاد رابطه‌ی دیپلماتیک نماید. این در حالی بود که در انتهای عصر بوش، قدرت ایران در منطقه ارتقاء یافته و از سوی دیگر آمریکا در منطقه تضعیف شده بود.

اوپاما با شعار تغییر آمده بود. آیا این تغییر می‌توانست شامل نحوه‌ی رفتار آمریکا با ایران شود؟ دکتر محمدجواد ظریف در پاسخ به سؤالی مبنی بر این‌که آیا با روی کار آمدن اوپاما، سیاست تغییر و نگاه جدیدی که وی داشت، آیا می‌توانست روزنه‌ی امیدوارکننده‌ای تلقی شود، این‌گونه پاسخ می‌دهد: «خیر، سیاست آقای اوپاما به دلیل دریافتن اهمیت اقتدار هنجاری در مقابل هژمونی نظامی بود که مورد توجه نخبگان آمریکا قرار گرفته بود. اگر این حرف‌های تئوریک را تبدیل به شعارهای سیاسی کنیم، می‌شود سیاست «تغییر». علی‌رغم این‌که آمریکا متمدن تلاش می‌کرد که همیشه بر اساس ارزش‌هایش پیش برود و تصویر ارزشی در دنیا داشته باشد، ولی بنا به سیاست‌های دوره‌ی بوش، تصویر هنجاری این کشور در دنیا تبدیل به تصویر جنگ‌طلب شده بود. آقای اوپاما کاتالیزور اصلی این تغییر تصویر شد.»^۲

اگرچه سوزان ملونی گفت که «جمهوری اسلامی همه نوع فاجعه‌ای غیر از طاعون را سپری کرده ولذا حکومت بسیار مستحکم است اما اگر تحقق انقلاب مخملی

اوپاما همزمان با استفاده از اهرم فشارهای بین‌المللی در چارچوب استراتژی هوپ و چماق تلاش می‌کرد به ایران نزدیک شده و دست دوستی بدهد. اما معلوم نبود موفق گردد. او نوزده سال ۸۸ را به ملت ایران تبریک گفت و در پیام خود عنوان کرد: «ما از ایران می‌خواهیم که در جایگاه درستی در روابط بین‌الملل خود قرار گیرد». اوپاما به زعم خود دستش را به سمت ایران دراز کرد اما رفتارهای متناقض آمریکایی‌ها نسبت به ایران، باز هم نتوانست ایران را قانع کند

امکان‌پذیر نباشد، حمایت از کسانی که به چنین اقدامی دست می‌زنند، از سوی آمریکا می‌تواند موجب تضعیف حکومت ایران و تغییر رفتار آن شود.

نه امری‌حایی‌ها خود را تغییر داده‌اند. «دوبت جدید امریکا می‌گوید ما ماییم با ایران مذاکره کنیم، بیائید گذشته را فراموش کنیم. می‌گویند ما به سمت ایران دست دراز کردیم. خوب، این چه جور دستی است؟ اگر دستی دراز شده باشد که یک دستکش مخمل رویش باشد، اما زیرش یک دست چدنی باشد، این هیچ معنای خوبی ندارد. عید را به ملت ایران تبریک می‌گویند، اما در همان تبریک، ملت ایران را به طرفداری از تروریسم، دنبال سلاح هسته‌ای رفتن و از این قبیل چیزها متهم می‌کنند!»^۲

راه‌حلی برای ایران

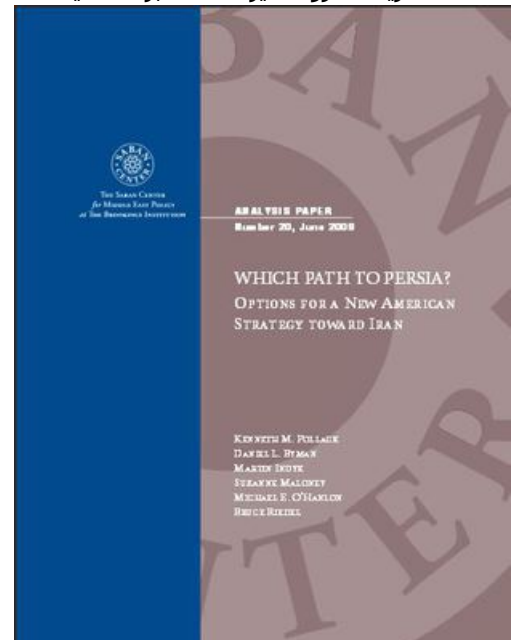
به هر حال مراکز مطالعات استراتژیک آمریکا در ابتدای عصر اوپاما به‌ناچار به مطالعات گسترده جهت یافتن راه‌حلی برای مسأله‌ی ایران پرداختند، اما هرچه تلاش می‌کردند نمی‌توانستند از حیرت و سردرگمی خارج شوند. از سوی دیگر تمرکز بر مسأله‌ی هسته‌ای ایران موجب شده تا دید کلان‌نگر منتفی شده و همه‌جانبه‌نگری در نحوه‌ی مواجهه‌ی آمریکا با ایران وجود نداشته باشد. نیز تاکنون بین گزینه‌ی محدودسازی و مذاکره‌ی با ایران، هیچ حد وسطی دیده نمی‌شود. بنابراین هدف سابان از تنظیم این گزارش، ارائه‌ی مهم‌ترین گزینه‌های سیاست آمریکا برای ساختن یک استراتژی جدید و بهتر از گذشته علیه ایران است.

این ۹ گزینه!

این جلسه ۹ گزینه‌ی پیش روی آمریکا را در نحوه‌ی مواجهه با ایران بررسی کرد:

۱. دو گزینه‌ی دیپلماتیک شامل اقناع از طریق مشوق‌های بهتر؛ تعامل و تشویق
۲. سه گزینه‌ی نظامی شامل: تهاجم همه‌جانبه؛ حمله‌ی هوایی محدود؛ تشویق اسرائیل به حمله‌ی نظامی
۳. سه گزینه‌ی امنیتی معطوف به تغییر حکومت شامل انقلاب مخملی؛ الهام‌بخشی به شورش؛ کودتا
۴. یک گزینه مربوط به تحدید ایران شامل بازدارندگی ایران از طریق تحریم‌های همه‌جانبه.

پس از بررسی معایب و محاسن این ۹ گزینه، آن‌ها پیشنهاد خود را ارائه کردند: بهترین استراتژی برای آمریکا بدون شک این خواهد بود که چند گزینه از این ۹ گزینه را به‌صورت یکپارچه بکار گیرد. دلیل مهم یکپارچه کردن سیاست‌های متفاوت در قبال ایران، این است که بتوان تغییرات را در صورت شکست یک یا چند گزینه پیش برد. بنابراین گزینه‌ی «تجمیع گزینه‌ها» یا به عبارت ساده‌تر «همه‌ی گزینه‌ها روی میز است» برای سیاست خارجی دوره‌ی جدید آمریکا یعنی عصر اوپاما از سوی مرکز سابان پیشنهاد شد.



فتنه ۸۸ و همه‌ی گزینه‌های روی میز

اما فتنه ۸۸ چگونه به این برنامه کمک کرد؟ اتفاقات پس از انتخابات ۸۸ را باید در پازل گزینه‌های امنیتی دید؛ البته نه به این معنا که فتنه ۸۸ مشخصاً برای طرح «تجمیع گزینه‌ها» طراحی شد بلکه موقعیتی فراهم کرد تا دشمن بتواند برای هدف خودش زمینه‌سازی کند.

یکی از گزینه‌های امنیتی، گزینه‌ی انقلاب مخملی و دیگری الهام‌بخشی به آشوب بود. در این جلسه عنوان شد که مناسب‌ترین راه برای تغییر حکومت، حمایت گسترده از انقلاب مخملی در ایران است. این گزینه‌ی سیاسی بهترین راه‌حل مشکلات آمریکا با ایران است که کمترین هزینه را دارد. هدف اصلی این گزینه، براندازی حکومت ایران و ایجاد حکومتی است که بیشترین همراهی را

«نبایستی انسان بازیچه‌ی دشمن شود؛ باید فوراً قضیه را بفهمد. اگر اول غفلتی کرده است، وسط کار وقتی فهمید، بلافاصله بایستی راه را عوض کند. خوب، نکردند. عامل اصلی دیگری بودند که طراحی کرده بودند، به خیال خودشان محاسبه کرده بودند. به گمان آنها بساط جمهوری اسلامی بنا بود جمع شود؛ نه فقط حقیقت دین، حتی شعارهای دینی هم باقی نماند؛ برنامه این بود. طراحی این بود که اگر توانستند قاعده‌ی دولت را به شکل مطلوب خودشان بچینند، که بعد از آن، راه حرکتشان روشن بود که چه کار میکردند؛ اگر هم قاعده‌ی حکومت و دولت طبق میل آنها چیده نشد و برایشان ممکن نشد، کشور را به آشوب بکشاند؛ با خیال خودشان - من یک وقتی گفتم - کاریکاتور انقلاب اسلامی را درست کنند؛ مثل سایه‌هائی که حرکت یک قهرمان را تقلید میکنند، ادای قهرمانها را، ادای انقلاب را در بیاورند؛ برنامه‌شان این بود.»^۴ چرا این افراد باید «برنامه‌هائی را که عفونت تصمیم‌گیری‌ها و ترفندهای دشمن از آن بلند و آشکار است، اجرا کنند؟»^۵

آیا ندیدند؟

صوت: امیدوار کردن دشمن

اما این کار الزاماتی داشت که مهم‌ترین آن عبارت بود از: یافتن رهبران محلی مناسب که شریک‌های خوبی برای آمریکا در ایجاد آشوب و اغتشاش باشند؛ چراکه ظهور یک رهبر کارزماتیک مخالف در ایران می‌توانست تمامی معادلات آمریکا در خصوص ایران را چینش مجدد کند. اگرچه سوزان ملونی گفت که «جمهوری اسلامی همه نوع فاجعه‌ای غیر از طاعون را سپری کرده است:

جنگ، ایزوله شدن، بی‌ثباتی، حملات تروریستی، انتقال رهبری، خشکسالی، زلزله‌های عجیب و ... لذا حکومت بسیار مستحکم است»، اما اگر تحقق انقلاب مخملی امکان‌پذیر نباشد، حمایت از کسانی که به چنین اقدامی دست می‌زنند، از سوی آمریکا می‌تواند موجب تضعیف حکومت ایران و تغییر رفتار آن شود.

این‌که مسببین اصلی فتنه به دنبال چنین طرحی بودند یا نه، محل بحث این نوشتار نیست. اما این‌که «وقتی می‌بینند سران ظلم و استکبار عالم از اینها حمایت میکنند، رؤسای آمریکا و فرانسه و انگلیس و اینهائی که مظهر ظلمند - هم در زمان کنونی، هم در دوره‌ی تاریخی صد سال و دویست ساله‌ی تا حالا - دارند از اینها حمایت میکنند، باید بفهمند یک جای کارشان عیب دارد؛ باید متنبه بشوند. وقتی می‌بینند همه‌ی آدمهای فاسد، سلطنت‌طلب، از اینها حمایت میکند، توده‌ای از اینها حمایت میکند، رفاص و مطرب فراری از کشور از اینها حمایت میکنند...»^۶ آیا نمی‌شد یقین پیدا کرد که دشمن به دنبال ایجاد یک پایگاه قوی برای خود در داخل کشور و نیز یک محوسازی برای مخالفین است؟ در همین جلسه و به نقل از یک روزنامه‌نگار مخالف گفته شد که مخالفین سازمان‌یافته نیستند و ما رهبر نداریم.



بنابراین مسببین فتنه ۸۸ خواه، ناخواه دشمن را امیدوار کردند که می‌تواند پایگاه محکمی در داخل ایران اسلامی برای خود ایجاد کند. عدم تمکین به قانون و سازوکار قانونی انتخابات کشور، موجب شد به‌راحتی یک بستر جدید برای فشار دشمنان به ملت ایران باز شود. یادمان هست که با شروع فتنه موجی از حمایت‌های غربی و غیر غربی از این جریان راه افتاد؛ تا جایی که وزیر خارجه‌ی پیشین آمریکا رسماً از این جریان حمایت کرد.

بنابراین اولاً فتنه‌ی ۸۸ با ظرفیتی که برای دشمنان انقلاب ایجاد کرد، گزینه‌های امنیتی نظیر انقلاب مخملی و یا الهام‌بخشی به آشوب را فعال کرد.

ثانیاً برای مخالفین و معاندین انقلاب و جمهوری اسلامی یک خیمه‌ی مرکزی در داخل کشور ایجاد کرد. ثالثاً ما دریافتیم که همه‌ی گزینه‌های روی میز تنها مذاکره و تهدید نظامی و تحریم نیستند بلکه گزینه‌ی امنیتی نیز می‌تواند در شرایط غفلت ما، جزء گزینه‌های همیشگی روی میز باشد.

املاً این تصویر تاج‌زنان یاد که در فتنه ۸۸ در تهران تظاهرات کردند، در این مقاله به اشتباه درج شده است.

رابعاً این تجربه‌ی سخ‌نسان داد نه دشمن‌سنانسی یحی از مهم‌ترین موبعه‌های روس بحیل سیاسی اسب. ادر در زمان تصمیم‌گیری، نتوانیم برآوردی از برنامه‌ی دشمن را تشخیص و پیش‌بینی کنیم، بعید نیست که تبدیل به یکی از پازل‌های برنامه‌ی او شویم.

پی‌نوشت‌ها:

۱. http://www.brookings.edu/~media/research/files/papers/2009/6/iran%20strategy/06_iran_strategy.pdf

۲. کتاب آقای سفیر (گفت‌گو با آقای محمدجواد ظریف)، ص ۱۷۵

۳. بیانات در جمع زائران و مجاوران امام‌رضا علیه‌السلام، ۸۸/۱/۱

۴. بیانات در دیدار مردم قم، ۸۹/۱۰/۱۹

۵. بیانات در دیدار مردم قم، ۹۰/۱۰/۱۹

۶. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۸۸/۹/۲۲

بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی